



سلسله انتشارات انجمن آثار ملی

وقف نامه ربع رشیدی

از گفتار خوارزمی در مفاتیح العلوم و حمزه اصفهانی در التنبیه علی حروف التصحیف و ابن الندیم در الفهرست برمی آید که گروهی از دبیران در آتشکده ها به کار نویسندگی موقوفات و خیرات و مبرات می پرداخته اند. پس مسأله وقف در ایران پیش از اسلام نیز مطرح بوده است.

در اسلام هم به مفاد آیه « و اما ما ینفع الناس فی الارض » به خیرات جاریه تشویق شده و خیری نقل کرده اند که « من بنی الله بناء یا وی الیه غریب او عابر بئله الله یوم القیامة علی نجیبة من در . . . » (ص ۱۲ همین وقف نامه) و « المرء فی ظل صدقته حتی یقضی بین الناس » (ص ۱۶) و گفته اند که پیامبر اسلام فرمود: « اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث : صدقة جاریه و علم ینتفع به ، و ولد صالح یدعوه » (ص ۱۹) و « مبیع یجری المید اجرهن و هو فی قبره : من علم علما ، او بنی مسجدا ، او کری نهرا ، او نیط عینا ، او غرس غرسا ، او ورت مصحفا ، او ترک ولدا صالحا یدعوه ، و اینگونه کارهای نیک را مصداق سخن پیامبر دانسته اند که « من سن سنة حسنة فله اجرها من عمل بها » (۲۰) .

این سنت پسندیده در میان مسلمانان رواج داشته و شواهد بسیاری بر آن داریم .
مأمون عباسی را گویا بتوانیم نخستین کسی بدانیم که به تقلید از مدرسه جندی شاپور و با مشورت با دانشمندان ایرانی مانند سلم مترجم از زبان فارسی و سهل و سعید فرزندان هارون را نسوی دشت میثانی بصری در ایجاد بیت الحکمة که خود آکادمی و دانشگاهی بشمار می آمده است در راه وقف بر علم و دانش و کتاب گام نهاده است . او در بنیاد گذاردن خزینة الحکمة خود بایستی از گنجینه های زیر ایوان مدائن نمونه گرفته باشد . (داستان جاویدان خرد) .

عبدالدوله در بنیاد گذاردن بیمارستان و خزانه الکتب و خلفای فاطمی مصر و اموی

اندلس در ایجاد بیمارستان و دورالحکمة و دورالعلم و وقفها که بران کرده اند همان سنت پسندیده را اجرا داشته اند .

یعقوب بن کلس وزیر یهودی شیعی شده فاطمیان و ابونصر شاپور اردشیر وزیر بوییان از بنیاد گذاران دارالعلم هستند .

بهترین نمونه در این گونه نیکوکاری نظام الملك طوسی است که مدرسه ها بنام خود در شهرها ساخته و موقوفاتی برای آنها معین کرده است . او در سال ۴۶۲ در بیت النبوة بغداد نزد وزیر و قضات و عدول دستور داده است که وقفیه مدرسه نظامیه بغداد را بنویسند و بر آن گواه باشند . درآمد این مدرسه در سال ۱۵۰۰ دینار و در آمد مدرسه نظامیه اصفهان ۱۰۰۰۰ دینار بوده است . کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد شش هزار مجلد کتاب داشته است . خود نظام الملك در سال ۴۸۰ يك بار در این مدرسه و يك بار در جامع المهدی آمده و برای دانشجویان و استادان و مردم دیگر حدیث املاء کرده است .

ناصر خلیفه عباسی و مستنصر خلیفه عباسی و مستنعم خلیفه عباسی مدرسه و کتابخانه بنیاد کرده بودند .

نورالدین محمود اتابك زنکی در دمشق مدرسه ساخته و کتابخانه ها بران وقف نمود . نوبت به غازان رسید او در ۶۹۷ در شب غازان کاخ و سرایی ساخت و در تبریز و بغداد بیست و يك جایگاه نیکوکاری که آنها را ابواب البر میخوانده اند بنیاد نهاد و تولیت آنها را به رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر داده است . هر يك از اینها را وقفیه ای بوده است در طوماری بایک دیباچه . بنوشته خود رشید در این وقفیه (س ۳۲۷) نسخه ای از آن طومار هم باید همراه وقفیه رشیدی باشد .

غازان دستور داده بود که از وقفیه ابواب البر اوهفت نسخه بنویسند و قضات و علماء آن را تسجیل کنند . یکی را به متولی موقوفات بسپارند و یکی را به مکه بفرستند و سومی را در دارالقضاء تبریز بفرستند . چهارمی را در دارالقضاء بغداد نگاه بدارند . سه تای دیگر را نزد بزرگان شهرها بگذارند . قضات بغداد و تبریز بایستی هر چند گاه درباره وقفیت آنها از نوحکم کنند و بر آن گواهان بر گیرند و هر قاضی که تازه بر مسند می نشست نخست بایستی آن وقفیه را تسجیل کند . در این ابواب البر غازانی گذشته از چند بنیاد نیکوکاری بیت الکتب نیز بود و بیت القانون یا آرشیب و بایگانی دیوان باج و خراج هر يك با کارکنان آنها .

رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر نیز به پیروی از پادشاهان غازان در ربع رشیدی بقاع الخیر ساخته بود (گذشته از مسجد جامع رشیدی کوی شش کیله تبریز) . این بقاع عبارت بودند از مسجد و دارالحفاظ و خانقاه با مجلس برگزاری سماع صوفیان و دارالمصاحف و کتب الحدیث و بیت التعلیم و دارالضیافه و دارالمساکین و دارالشفاء و آب گیر و گرمابه و شیلان خانه و جایگاه دستگیری بی نوایان و رسیدگی به کار بردگان .

او دستور داده بود که وقف نامه ای به نام « الوقیة الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرایط امور الوقف و المصارف » که همین وقف نامه باشد در پنج نسخه بنویسند و این اثر جز « رساله خیرات جاریه رشید » است که مفصل نوشته است . چه آن گویا رساله ای در

باره وقف و صدقات و قواعد آن بوده است .

متولی این وقف خود رشید بوده و پس از او فرزندانش به تفصیلی که در این وقفیه دیده میشود . متولی بایستی همواره آن را بخواند و به تسجیل قضات تازه به روی کار آمده برساند و گواهان آنها بران گواهی دهند درست مانند وقفیه غازی .

تاریخ این وقفیه های ۷۰۹ و ۷۱۰ است تا ۷۱۳ و چندین تسجیل از قضات و دانشمندان عصر دارد و تسجیل های ۷۵۰ و ۷۸۵ و ۸۰۱ و ۸۰۹ و ۸۱۰ هم در آن دیده می شود .

رشید در شهرهای دیگر مانند یزد و همدان و بسطام و جاهای دیگر شهر تبریز نیز از این بنیادهای نیکو کاری داشته بوده است و هر يك وقفیه شرعی مسجل جدا گانه ای داشته اند . گویا این وقفیه ها هم « درذیل وثیقه و قبیات جامع المبرات و فهرست الخیرات رشیده نوشته شده » است .

او در این وقفیه دستور می دهد که آثار و تألیفات او را که نه پاره است در هفت قسم و در جدولی نهاده است هر ساله بر « کاغذی بسیار نیکو به قطع حال بزرگ بغدادی به خطی پاک درست مذهب » بنویسند و با « مجلدی ادیم » نگاه بنارند .

غازان و رشید گویا از ما مون و جانشینانش و خلفای اموی اندلس و خلفای فاطمی مصر و عضدالدوله و وزیرای خاندان بویه مانند شاپور اردشیر و خاندان فاطمی مانند یعقوب بن کلسس یهودی برتر آمد و تنها به بنیان گذاردن يك آکادمی یا دانشگاه و مدرسه و کتابخانه و بیمارستان بس نکردند ، بلکه می خواسته اند شهری نو دارای هر گونه مظاهر تمدن بسازند .

در مکاتبات رشیدی اگر چه در صحت آن شك است وصفی از ربع رشیدی هست . همچنین از بیمارستان سلطانیه و داروخانه همدان . در آن آمده است که در دو کتابخانه پهلوی گنبد (رشیدی) هزار مصحف نهاده شد تا وقف ربع رشیدی باشد و چهارصد نسخه آن به زرنوشته شده است و ده نسخه نوشته یاقوت و ده نسخه نوشته ابن مقله و بیست نسخه نوشته احمد سهروردی و بیست نسخه نوشته بزرگان و پانصد و چهل و هشت نسخه به خط روشن خوب یا صحت هزار مجلد کتاب علمی و تاریخی و ادبی که از کشورهای دیگر آورده شده است .

همچنین در آن آمده که ربع رشیدی بیست و چهار کاروان سرای بزرگ دارد و پانصد دکان و سی هزار خانه دلکش و چندین گرمابه خوش و حانوتها و طاحونه ها و آسیابها و کارخانه های شربافی و کاغذ سازی و رنگرزان و دارالمطب . هنرمندان و دانشمندان شهرها و کشورها را از چین تا شام بدانجا آوردند که در آنجا کار کنند .

باری شرایط نگاه داری هر يك از بنیاد های خیر در این وقفیه به تفصیل آمده و از آنها نکته های جالبی از رهگذر تاریخ اجتماعی ایران میتوان بیرون کشید .

وقف نامه رشیدالدین گویا برای وقفهای عمده ای که بعدها در ایران می شده است نمونه بوده است ، مانند وقف نامه سه دیه بیدگل و کاشان و هراسکان و مختص آباد مسورخ ۱۵ رمضان ۷۰۳ که خود خواجه رشید بر آن گواهی نوشته است . همچنین وقف نامه ابوالمفاخر یحیی باخرزی مورخ ۷۲۶ که در آن گویا به پیروی از آثار خواجه رشید نوشته شده است

که هر کس می‌تواند از کاغذ و سیاهی و قلم وقف نسختی از او را دالاحیاب و قسوس الاداب باخرزی را برای خود بنویسد با بنویسند. این وقف نامه هم در ۱۲۹۶ تعمیر و مرمت شده است.

جامع الخیرات رکن‌الدین ابوالکاسم محمد یزدی مورخ ۷۳۳ تا ۷۴۸ در باره بنیادهای نیکوکاری او است در یزد از مدارس و خانقاه و رباط و دارالسیاده و دارالحديث و بیت الادویه و دارالشفاء و دارالکتب و مصالح الرصد و مصنعه و کماک به بردگان، درست مانند کارهای رشیدی. او مدرسه عصمتیه در اصفهان ساخته است دارای دارالحديث و بیت-الادویه با دارالادویه و دارالکتب که در همین جامع الخیرات از آن یاد شده است.

اسناد آستانه درویش تاج‌الدین حسن ولی در نیاک لاریجان آمل که تاریخ آن از ۸۳۲ آغاز میشود در باره بنیادهای نیکوکاری اوست. در این روستا مانند اطاق سرا و برف چال و نان سالیانه و جز اینها. در کشور عثمانی مرادخان عثمانی در ۸۵۰ و زغنوس پاشا در ۸۶۶ و همسرش نفسیه خاتون در ۸۹۷ و شمس‌الدین سید بخاری در ۸۷۴. و اسحاق پاشا در ۸۹۲ و قفیه دارند که از توجه آنها به رفاه عمومی و نشر علم حکایت میکند.

مسجد میرعمادکاشان را هم وقفیه ایست مورخ ۸۷۷ امیر علی شیرنوی در وقفیه مدرسه اخلاصیه نیز نوشته است که سرهرسی سالی آن را از سر نو نویسانند و پس از مقابله با سجلات قضات بیارایند. ابوالفتح محمد شیبانی خان و پسرش ابوالغازی محمد تیمور - بهادر خان در سمرقند مدرسه‌ای ساختند و کتابها بر آن وقف کردند. در وقفیه آن آمده است که باید در سر هر ده سالی آن را نزد حاکم و شیخ الاسلام واقضی القضاة ببرند و از روی آن از نسخه‌ای بنویسند و به توقیع و مهر آنها برسانند و گواهان تازه‌ای بر آن برگیرند و متولی باید آن را به فرمان روایان نشان دهد تا از آن آگاه کردند.

در وقفیه رشیدی گفته شده که کتابهای وقفی را نباید جز با گروهی سنگین باندازه بهای کتاب از کتابخانه بیرون برد و جز با گروهی به اندازه دو برابر بهای آن نمی‌توانند از ربع رشیدی بیرون برند و از خود شهر تبریز هم نباید بیرون برده شود. میرزاسید حنای جامی در وقفیه که بر آستان رضوی در ۱۱۰۷ کرده است امانت کتاب را محدود کرد به سه ماه آنها با اجازه و رسید.

شاه سلطان حسین صفوی در وقف نامه نسخه‌ای از کتاب دعای صباح و مساء که به خط آقا جمال خوانساری است و مورخ ۱۱۱۲ نوشته است که کتابدار باید آن را در جای جداگانه‌ای بگذارد و تنها با اجازه شاه و دانشمندان میتواند آن را به عاریت دهد.

دور نیست در این دو وقفیه هم از محدودیت‌های وقفیه رشیدی پیروی کرده باشند.

باری از این وقف نامه میتوان از چندین رهگذر بهره‌گیری کرد زیرا که:

- ۱- طرز خط آن يك دوره از تحول خط فارسی را بما نشان میدهد.
- ۲- انشاء آن روش نویسندگی رشیدالدین و دیوانیان او را روشن میسازد و با آن میتوانیم در باره مکاتیب رشیدی درست داوری کنیم.
- ۳- روش وقف نامه نویسی آن زمان را با این سند و سجلات آن می‌توانیم دریابیم.

۴- وضع زبان فارسی و پیوند آن با زبان عربی در آن زمان با این سند تا اندازه- ای آشکاد میشود .

۵- روش اداری و دیوانی در نگاهداری بنیادهای خیر آن زمان با تفصیلی در این سند دیده میشود ،

۶- در آن به بسیاری از اصطلاحات دیوانی و درباری متداول برمیخوریم .

۷- انواع هدفهای وقف و صدقات جاریه از آن بخوبی روش میگردد .

۸- این سند تا اندازه‌ای نماینده وضع زندگی مردم عادی است .

۹- در تدوین تاریخ اجتماعی ایران و تطور برخی از نهادهای اجتماعی مانند آموزش و پرورش علمی و دینی و عرفانی و بهداشت و پزشکی و برده‌داری این وقف‌نامه خود سند گویایی است .

۱۰- این سند برای جغرافیای ملی شهر و روستاهای تبریز و یزد و جاهای دیگر و نامگذاری آنها خود مدرک روشنی است .

۱۱- نکته‌های تاریخی بسیاری از این سند بدست می‌آید و از سحلاتی که در آن هست بنام بسیاری از دیوانیان و دانشمندان آن زمان برمی‌خوریم و میتوانیم این نامهارا با آنچه که در مکاتیب رشیدی و آغاز توضیحات رشیدیه آمده است بسنجیم و از این راه هم درباره مکاتیب قرائنی مخالف یا موافق بدست بیاوریم .

۱۲- تحول و تملك عمومی و خصوصی رقیبات این وقف با این سند بدست می‌آید .

۱۳- وضع کشاورزی آن زمان با این سند از جهاتی هویدا میگردد .

۱۴- نکاتی درباره وضع مالی و پولی و وزن و مزد کار از آن میتوان بدست آورد. انجمن نیکوکار آثار ملی که با نظر استاد اجل جناب آقای مجتبی مینوی و دانشمند گرامی آقای ایرج افشار این وقفیه را پس از بدست آوردن عکس چاپ کرده است و اصل آن را هم به دانشگاه تبریز واگذار خواهد کرد به بهترین وجهی سفارش خود رشیدالدین- فضل‌الله وزیر را عمل کرد. زیرا او دستور داده بود که پنج نسخه از آن بنویسند همچنانکه غازان گفته بود وقفیه او را در هفت نسخه بنویسند . این نسخه‌ها در واقع وقف است و به ملکیت کسی در نیاید و قابل تملك کسی نیست و تصرف و ید هم در اینگونه اسناد مذهبی و دولتی که آنها را واقفان برای عموم مردم تدوین کرده‌اند دلیل ملکیت شخصی نیست . پس انجمن آثار ملی با این عمل نیکوکارانه خود سندی را به مالک واقعی آن که عموم مردمند از چشمدین راه واگذارده است. جزاه الله عن العلم خیر الجزاء .

از خاندانی که این سند ملی را از دست برد حوادث تا اندازه ممکن نگاهداری کرده- اند باید سپاس گزار بود . امیدواریم که اوراق دیگر این اسناد که نطقاً سالها پیش بگواهی نسخه نویسی کتابخانه ملک (گویا از آن محمد علی تربیت) در تبریز وجود داشته است پیدا شود و با همت انجمن شریف آثار ملی نشر گردد .

محمد تقی دانش پژوه